

برنامه‌های رادیویی کودکان

● دکتر منوچهر معین افشار
تهیه کننده سابق رادیو

برنامه‌های کودکان قبل از دبستان، می‌تواند در بین ساعت ۹ تا ۱۲ صبح پخش شود، زیرا کودکان در آن زمان، چه در خانه باشند و چه در کودکانستان، برنامه دیگری ندارند و مسئولان کودکانستان‌ها علاقه مند هستند که یک ربع ساعت، بچه‌ها را به گوش دادن به برنامه کودک تشویق کرده، خود در طول آن مدت تا حدی استراحت کنند.

برنامه این گروه که اکنون به وسیله خانم وکیلی اجرا می‌شود، کاملاً سنجیده، مؤثر و دلپذیر است، هر چند موسیقی آن می‌تواند از آنچه هست بهتر و غنی‌تر باشد.

برنامه‌های کودکان دبستانی، راهنمایی و دبیرستانی ساعت پخش برنامه

بهترین زمان پخش برنامه برای این گروه سنی، صبح‌ها قبل از زمانی است که کودک برای رفتن به دبستان آماده می‌شود؛ یعنی در حقیقت هنگام صرف صبحانه، زیرا در آن هنگام همه نشسته‌اند و در حال خوردن صبحانه هستند. به علاوه گذشته از بچه‌ها، پدر و مادر و سایر افراد خانواده نیز به رادیو گوش می‌دهند.

پخش برنامه کودکان دبستانی در ساعات کار مدرسه میسر نیست؛ زیرا برنامه درسی دبستان‌ها با یکدیگر متفاوت است و در ساعات کار مدرسه، وقت آزاد وجود ندارد. گذشته از این، با وجود مدرسه‌های دو هفته و سه هفته، نمی‌توان زمان آزاد مشترکی بین آنها پیش‌بینی کرد.

از نظر برنامه‌های رادیویی، افراد قبل از هیجده سال را می‌توان به چهار گروه سنی تقسیم کرد:

- گروه قبل از دبستان
- گروه دبستانی (از ۷ تا ۱۲ سالگی)
- گروه دوره راهنمایی (از ۱۲ تا ۱۵ سالگی)
- گروه دبیرستانی (از ۱۵ تا ۱۸ سالگی).

این تقسیم‌بندی از جهات مختلفی مانند: تعیین محتوای برنامه‌های رادیویی مناسب برای هر گروه سنی و دقت در کیفیت تنظیم و اجرای هر برنامه، مفید است.

برنامه‌های کودکان قبل از دبستان

در برنامه‌های کودکان گروه اول، همواره یک گوینده بزرگسال در نقش مادر یا مربی، برنامه را هدایت می‌کند و یک یا چند کودک در برنامه شرکت دارند. مطالب برنامه برای شناسایی اشیاء، جانوران، نام روزهای هفته و فصل‌ها و ماه‌ها، دستورهای بهداشتی و دینی و تربیتی، روابط کودکان با یکدیگر و با خواهر و برادر و پدر و مادر و اشخاص بزرگسال و نظایر آن تنظیم و به صورت گفت‌وگو با بچه‌ها تفهیم می‌شود.

در برنامه‌های این گروه سنی، موسیقی نقش بسیار مهم و مفیدی ایفا می‌کند، زیرا بچه‌ها موسیقی را دوست دارند و اشعاری را که با موسیقی اجرا می‌شود، به سرعت می‌آموزند. به همین دلیل می‌توان در این اشعار هر مطلبی که مناسب با سن آنان باشد، گنجانده.

درمورد ساعات عصر و شب نیز که بچه‌ها در خانه هستند، این مشکل وجود دارد که دانش‌آموز پس از بازگشت به منزل خسته است و قبل از هر کار به سراغ تلویزیون می‌رود که برنامه‌های مورد علاقه خود، مخصوصاً برنامه‌های ورزشی را تماشا کند. ضمناً پس از رفع خستگی، زمان انجام دادن تکالیف درسی فراموشی و ضمن این کار بعضی از بچه‌ها عادت دارند که به موسیقی گوش دهند، ولی درک مطالب رادیو ضمن نوشتن تکالیف درسی و فکر کردن و حل مسائل حساب میسر نیست و اگر برنامه‌ای هم برای عصر و شب در رادیو منظور شود، بعید است که برنامه پرشنونده و موفق باشد. این وضع درمورد کودکان گروه دوم و سوم نیز صادق است، به استثنای مواردی که آموزش‌های درسی، به خصوص درمواقع امتحانات در برنامه گنج‌ناییده شده باشد که ممکن است گروهی از بچه‌ها به آن علاقه‌مند باشند، ولی عمومیت ندارد.

زبان برنامه

زبان برنامه، همان زبان مجری آن است و زبان مجری هر برنامه‌ای، متناسب با مخاطبان آن برنامه است. تفاوت زبان گروه‌ها در واژه‌هایی است که با بالا رفتن سن بچه‌ها، کمیت و کیفیت آن نیز تغییر می‌کند. در زبان بچه‌های کودکانی واژه‌ها محدودتر و ساده‌ترند. علاوه بر آن، جمله‌ها کوتاه و گاه در جمله از کلماتی مکرر استفاده می‌شود. آهنگ بیان، سنگین و با حالت خاصی است که موضوع جملات ایجاب می‌کند؛ محبت، شادی، شوخی و...
طبیعی است که زبان بچه‌های دبستانی، واژه‌هایی غنی‌تر از

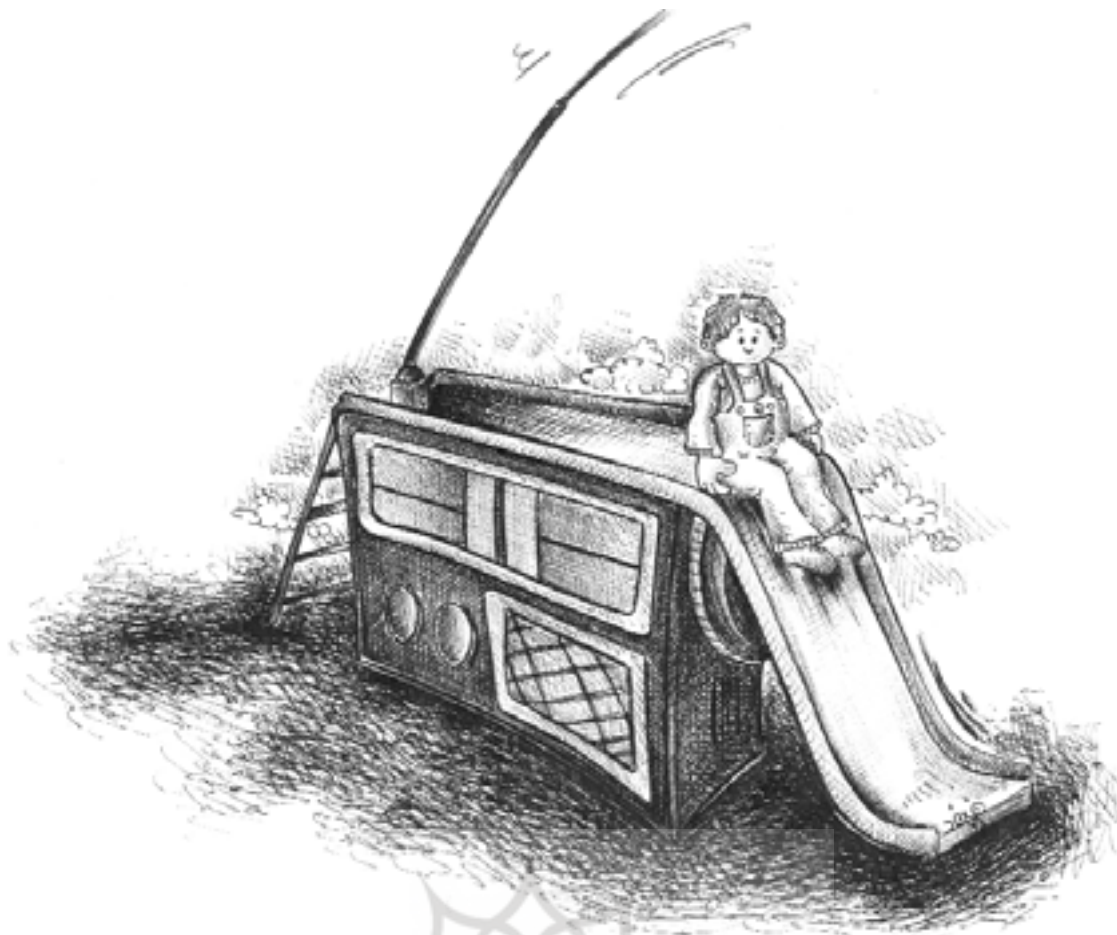
گروه اول دارد و هر چه سن بالاتر رود، این غنا بیشتر می‌شود و کلمات جدیدی به آن اضافه می‌گردد؛ زیرا کودک آموزش‌ها و مطالب جدیدی فرا می‌گیرد. اما در مورد همه گروه‌های سنی، این قاعده اصلی زبان رادیو باید لحاظ شود: «نوشتن برای گفتن، نه برای خواندن»، زیرا در مورد مطالب خواندنی، نوشته در اختیار خواننده است و می‌تواند به آن مراجعه مکرر داشته باشد، چون حافظه چشمی قوی‌تر از حافظه گوشی است. اما امکان تکرار آنچه از رادیو پخش می‌شود برای شنونده وجود ندارد. در نتیجه جملات باید حتی‌الامکان ساده و کوتاه باشند و یک جمله بلند، شکسته و به چند جمله کوچک‌تر تقسیم شود. اگر قرار باشد مطلبی از کتابی نقل شود، باید بعد از خواندن یک یا چند جمله، مضمون آن به زبان ساده‌تر توضیح داده شود.

شکل مطالب

مطالب برنامه می‌تواند به شکل مونولوگ، دیالوگ، نمایش نامه، داستان، گزارش و یا مصاحبه باشد. اگر یک نفر به صورت مونولوگ حرف می‌زند، مطالبش باید کوتاه باشد. بچه‌ها تحمل شنیدن حرف‌های طولانی را ندارند و اصولاً رادیو با کلاس درس یا جلسات سخنرانی تفاوت بسیار دارد.
در برنامه‌های گروه یک، مادر یا مربی همیشه تعدادی از کودکان را در برنامه شرکت می‌دهد و سعی می‌کند آنچه خود می‌خواهد به بچه‌ها تفهیم کند، با استفاده از زبان همه بچه‌های حاضر در استودیو باشد؛ یعنی سعی می‌کند با پرسیدن سؤال، هم آنها و هم شنونده‌های برنامه را به اندیشیدن برای یافتن جواب وادار کند؛ مثلاً می‌گوید: «بچه‌ها، به نظر شما وقتی که صبح‌ها از



برنامه‌ای را که فقط بزرگسالان اجرا کنند، هر چند موضوع و مطالب آن مربوط به کودکان باشد، برنامه مناسبی نخواهد بود. شرکت کودکان به صورت مجری یا مجریان برنامه، به آنها شخصیت می‌دهد و این احساس به کودکان شنونده نیز منتقل می‌شود.



مجریان باید همسن گروه خود باشند، ولی این امر همیشه میسر نیست، زیرا مجریان برنامه از روی نوشته می خوانند، آن هم نوشته ای که به زبان محاوره است و درعین حال، مجری باید حالات مربوط به متن را هم به صدای خود بدهد و چون کودکان دبستانی به این اندازه در خواندن تسلط ندارند بنابراین معمولاً از افرادی استفاده می شود که صدایی ظریف و نظیر صدای کودکان دارند.

مجریان باید صدایی شفاف و رادیوفونیک داشته باشند، درعین حال اگر دو یا سه نفر برنامه ای را اجرا می کنند، صدای آنها با یکدیگر متفاوت باشد، به نحوی که شنونده بتواند تعدد آنها را تشخیص دهد. مشکلی که در این مورد پیش می آید این است که چون غالباً صدای پسرها تغییر می کند، به همین جهت در برنامه های گروه های دبستانی بیشتر از دخترها استفاده می شود. از طرفی، کودکی که مدتی در برنامه به عنوان مجری شرکت داشته است، حاضر نیست کنار گذاشته شود، چون باعث ناراحتی او و اعتراض والدینش می شود. اما این اشکال در مورد دختران، بسیار کمتر وجود دارد. گاه دخترانی هستند که حتی در سنین نوجوانی هم صدایی کاملاً کودکانه دارند.

زمان ضبط برنامه

چون مجریان برنامه دانش آموزند، لذا زمان ضبط برنامه قاعدتاً عصرها خواهد بود که از مدرسه برمی گردند. در این ساعت از روز کودکان کوچک تر، هم خسته هستند و هم گرسنه، لذا باید در مورد تأمین عصرانه آنها پیش بینی لازم صورت گیرد.

خواب، بیدار شدیم، اول باید دست و روی خود را بشوییم یا صبحانه بخوریم؟» طرح این گونه پرسش ها، بچه ها را به فکر می اندازد و پاسخ صحیح را از خود آنها می گیرد. دیالوگ که گفت و گوی دو نفر است و ممکن است نفر سومی هم که گاه یک نفر بزرگ تر است به آنها افزوده شود، شکل معمول و متعارف برنامه های گروه های دیگر است. مصاحبه نوعی دیالوگ است، ولی در مورد گزارش، گزارش دهنده باید سعی کند از افراد حاضر در محل پرسش هایی بکند و آنها را در گزارش خود شرکت دهد؛ مثلاً اگر نمایشگاهی از کتاب های کودکان تشکیل شده است باید ضمن توضیح درباره محل نمایشگاه و تعداد کتاب ها، انواع یا موضوعات مختلف آنها را از فروشنده ها یا مسئولان نمایشگاه پرسد.

اگر بخشی از برنامه اخبار، مربوط به کودکان یا مورد علاقه کودکان است، بهتر است به وسیله دو نفر اجرا شود.

مجریان برنامه

برنامه های کودکان، جز در مورد گروه قبل از دبستان، می تواند تنها به وسیله کودکان یا با ترکیبی از بزرگسالان و کودکان اجرا شود، البته برنامه ای را که فقط بزرگسالان اجرا کنند، هر چند موضوع و مطالب آن مربوط به کودکان باشد، برنامه مناسبی نخواهد بود. شرکت کودکان به صورت مجری یا مجریان برنامه، به آنها شخصیت می دهد و این احساس به کودکان شنونده نیز منتقل می شود.

حق السعی مجریان

معمولاً کودکان مجری، دستمزد یا حقوق ثابتی دریافت نمی کنند و نباید هم دریافت کنند، زیرا اولاً تنظیم قرارداد کار با صغار ممنوع است و در ثانی اصولاً این کار، افتخاری است و خود بچه ها هم توقع دریافت مزد یا حقوق ندارند. ولی گاه باید پاداشی به صورت تشویق دریافت کنند، البته بهتر است این پاداش، پول نباشد و پاداش هایی نظیر کتاب، ساعت یا رادیو بهتر است. هر چند پاداش هایی مانند دفترچه حساب پس انداز که در آن مبلغی سپرده شده باشد نیز مناسب است.

موضوعات و مطالب برنامه

نخستین شرط انتخاب مطالب برنامه کودکان، تناسب موضوع و مطلب با سن گروه مخاطب است. معمولاً هر برنامه رادیویی با سلام و خوش آمد به شنونده ها آغاز می شود. برنامه کودکان نیز از این قاعده مستثنا نیست. جملاتی مانند: «بچه ها روزتون به-خیر، بچه ها سلام، امیدواریم همگی شاد و تندرست باشید»... پس از موسیقی نشانه برنامه (آرم)، بیان می شود و مناسب است که بلافاصله موسیقی شادی پخش گردد و روی آن جمله هایی به صورت شعار بیان شود. این شعارها می توانند یک توصیه بهداشتی، ورزشی، اجتماعی، اخلاقی، رفتاری یا یک بیت شعر باشند؛ نظیر: «هوا سرده، از رختخواب که میای بیرون یه چیزی بپوش»، «وقتی می خوای ورزش کنی پنجره اتاقو یه کم وا کن»، «سلام با کوچک تره و احوال پرسی با بزرگ تر»، «کمک به بچه هایی که درسشون از شما ضعیف تره وظیفه شماست، امانه اینکه تکلیفای اونارو انجام بدین»، «اخم نکن که هیچ کس از بچه اخمو خوشش نمیاد» و «چون با ادب و تمیز باشی، نزد همه کس عزیز باشی».

قسمتی از برنامه می تواند مسائل روز باشد، مثل رعایت

بهداشت در مواقع شیوع بیماری ها، یا آمادگی برای امتحانات یا آغاز سال تحصیلی و وسایل مورد نیاز. موضوعات زیر نیز همواره می توانند قسمتی از برنامه باشند:

ایران شناسی: سفر به شهرهای ایران که به صورت دیالوگ انجام می شود:

«مجری اول: بچه ها امروز می خواهیم به مشهد سفر کنیم.

مجری دوم: با چی باید بریم؟

مجری اول: هم می تونیم با هواپیما بریم، هم با قطار، هم با اتوبوس. من فکر می کنم با قطار بریم، بهتره.

مجری دوم: بچه ها، شمام همراه ما بیاین.

صدای قطار و موسیقی چند لحظه شنیده می شود. سپس یک گوینده با گوینده دیگر، راجع به بناها، عوارض طبیعی و یا جاهای دیدنی صحبت می کند.

مثلاً مجری اول می گوید: چه گنبد طلایی قشنگی!

و مجری دوم می گوید: این گنبد حرم حضرت امام رضا (ع) امام هشتم است، بریم از نزدیک زیارت کنیم».

صدای جمعیت و زیارت نامه خوان ها شنیده می شود و اطلاعاتی راجع به بنا و ویژگی های آن، یا راجع به امام هشتم داده می شود. پس از بازدید از چند نقطه دیگر، در پایان، سوغات مشهد هم ذکر می شود.

جهان شناسی: نظیر موضوع قبلی است با این تفاوت که این سفرها به کشورهای دیگر یا شهرهای خارج از کشور برای سنین بالاتر انجام می شود.

کیهان شناسی: برای بچه های دبیرستانی شناخت ستاره ها و ویژگی های منظومه شمسی و مدارهای سیارات و ثوابت، برنامه جالبی است. این برنامه هم مانند نمونه های ذکر شده به صورت سفر و گفت و گوی دو نفره انجام می شود.



در زبان بچه های کودکان کستانی واژه ها محدودتر و ساده ترند. علاوه بر آن، جمله ها کوتاه و گاه در جمله از کلماتی مکرر استفاده می شود. آهنگ بیان، سنگین و با حالت خاصی است که موضوع جملات ایجاب می کند؛ محبت، شادی، شوخی و....

تاریخ ایران: در این زمینه می توان متناسب با هر سنی، مطلبی تهیه کرد. باز هم برنامه باید به صورت سفر باشد. سفر به گذشته ها، مثل سفر به مرز ایران در زمان حمله اسکندر، مقاومت آریوبرزن با استفاده از ساندا فکت های جنگ های قدیم یا رفتن به کتابخانه ابن سینا و توضیح درباره دانش و کتاب های او.

تاریخ جهان: بسیاری از وقایع تاریخی برای سنین مختلف کودکان قابل توضیح است، چون به شنیدن آن اشتیاق نشان می دهند؛ وقایعی مانند: شرح اختراعات و اکتشافاتی که در زمان های مختلف انجام شده است: (نیروی بخار، برق، هواپیما و کشف آمریکا و توضیح درباره کسانی که به هیمالیا صعود کرده یا به قطب شمال و جنوب سفر کرده اند).

آشنایی با جانوران: بچه ها به جانوران و شناخت آنها علاقه فراوان دارند. برای این کار، بهتر است که خود بچه ها در نقش جانور، برنامه را اجرا کنند؛ مثلاً: دو جانور (مثل جغد و موش) از یکدیگر راجع به کار، غذا، طول عمر، مفید بودن یا مضر بودن سؤال کنند. (صدای هر یک در زمینه وجود دارد) و سرانجام جغد، موش را شکار می کند.

آداب معاشرت: بچه ها آداب معاشرت را از اولیا و مربیان خود می آموزند و کمتر کتابی پیدا می کنند که به سؤال های مختلف آنها پاسخ داده باشد مثلاً در مورد این سؤال که اگر بچه در هنگام گاز زدن سیب دوستش را ببیند، باید چه بکند؟ یا اگر مشغول خوردن غذایی است که لپ او را پر کرده و ناگهان آموزگار خود را می بیند، آیا باید غذا را از دهان خارج کند و سلام بدهد یا با همان دهان پر سلام بدهد؟ و یا اگر در مهمانی و موقع صرف غذا، قسمتی از آنچه در دهان گذاشته، (مثل هسته آلو یا قسمت سخت و تاندون ماهیچه) قابل جویدن نیست، باید چه بکند؟

آداب معاشرت در لباس پوشیدن، دید و بازدید، عیادت بیمار، پیشواز و بدرقه مهمان، تبریک گفتن و ده ها مورد دیگر همواره می تواند قسمتی از برنامه، در یک روز هفته کودک باشد.

گل ها، درخت ها و محیط زیست: در ایران یکی از روزهای اسفند به عنوان «روز درختکاری» تعیین شده و مراسمی در آن روز اجرا می شود؛ از جمله اینکه بعضی از مقامات مهم کشوری در نقاطی حاضر می شوند و درخت می کارند. پیغمبر (ص) فرموده اند: «شکستن شاخه درخت مانند شکستن بال فرشته ها است.»

در برنامه کودکان، همواره باید مطالبی برای تمام گروه ها، درباره درخت ها و تأثیرات گوناگون آنها؛ اعم از تلطیف هوا، جلوگیری از سیل، استفاده از میوه و چوب و سایر قسمت های

درخت، استفاده از گل های زینتی و دارویی، گل های حشره خوار، احترام به مقررات مربوط به حفظ چمن ها و گل های بوستان ها و خیابان ها منظور شود.

مشکلات بچه ها در روابط با خواهران، برادران، ناپدری و نامادری خود: عده ای از بچه ها نامادری یا ناپدری و برادران و خواهران ناتنی (پدری یا مادری) دارند. یادآوری این نکته که نامادری همچون مادر، مهربان و دلسوز است و برادران و خواهران ناتنی مثل برادران و خواهران تنی هستند، همواره در برنامه ضروری است، زیرا این گوشزد، هم در مادران و پدران مؤثر است و هم در فرزندان.

بین بچه ها در خانه یا مدرسه همکاری ها و روابطی وجود دارد که گاه به کدورت می انجامد و خواهر و برادر یا دوستان مدرسه با یکدیگر قهر می کنند. قهر یا همکاری و کمک آنها به یکدیگر می تواند موضوع گفت و گو در برنامه باشد.

البته مشکلات کودکان، محدود به موارد یاد شده نمی شود و شاید بتوان گفت که حدودی هم بر آن متصور نیست و بی نهایت موضوع وجود دارد که نویسنده و مسئول برنامه می تواند به اقتضای زمان، آنها را بیان کند؛ مثلاً هنگامی که یکی از ورزشکاران کشور در مسابقات جهانی قهرمان می شود، می توان ضمن تبریک به او و مربیانش، درباره فواید ورزش و نقش ورزش در تندرستی، مخصوصاً درباره صفت جوانمردی ورزشکاران و انواع ورزش های مفید برای کودکان مطالبی را بیان کرد.

در نمایش نامه های برنامه کودک، داستان مربوط به کودکان است و در محیط آنها اتفاق می افتد. ممکن است یک یا دو کودک و عده ای افراد بزرگسال در نمایش نامه شرکت داشته باشند، اما نقش اصلی و محوری بر عهده کودکان است.

قصه و داستان

قصه و کودک یاران یکدیگر در کلیه کشورها و فرهنگ ها هستند و به نظر می رسد قصه از ابتدا برای بچه ها به وجود آمده باشد. کتاب های قصه فراوان است و افسانه ها و قصه های هر ملت جزئی از فولکلور و فرهنگ عامه آن ملت است.

قصه می تواند هفته ای یک بار به طور مستقل، مخصوصاً در روزهای جمعه، پخش شود. همچنین می تواند بخشی از برنامه



به صورت قصه دنباله دار باشد. قصه ها ضمن سرگرمی، آموزش ها و عبرت های زیادی دربردارند.

در مورد کودکان قبل از دبستان که بیشتر از کودکان سنین بالاتر خیال پرورند، قصه ها کمتر با واقعیت تطبیق دارند. در این قصه ها پرنده ها و سایر جانوران، حتی اشپای بی جان مثل مداد رنگی و کاغذ و شیشه مربا و گنجه و عروسک و... سخن می گویند. در داستان های شرقی، وقایع عجیب و غریب و غیرطبیعی و خیال پردازی، جادوگری، قهرمانان با قدرت مافوق بشری و نظایر آن فراوان است، در حالی که در داستان های ملل غرب، وقایع و حوادث همان اتفاق هایی هستند که در خارج پیش می آیند.

برای بچه های گروه دوم و سوم، قصه هایی مناسب است که درباره حماسه ها و فداکاری های سرداران و جانفشانان در راه وطن سخن بگوید.

گوینده قصه باید صدایی جذاب و گیرا داشته، از فن بیان بهره مند باشد. در واقع قصه گوئی، هنر گویندگی و هنرپیشگی است. اگر قصه گو به تنهایی آن را اجرا می کند باید بتواند گاه در نقش های مختلف قهرمانان فرو رود و صدای خود را متناسب با نقش یا حالت آنان تغییر دهد. اگر کودکی حرف می زند یا اگر فردی باخشم و غرور یا مهربانی یا بی بند و باری سخن می گوید، همان حالت ها را به صدای خود بدهد.

گاه فرد یا افراد دیگری را با قصه گو همراه می کنند؛ مثلاً اگر قصه گو، زن باشد، در مواردی که نقش مرد در قصه باشد، یک

گوینده قصه باید صدایی جذاب و گیرا داشته و از فن بیان بهره مند باشد. در واقع قصه گوئی، هنر گویندگی و هنرپیشگی است. اگر قصه گو به تنهایی آن را اجرا می کند باید بتواند گاه در نقش های مختلف قهرمانان فرو رود و صدای خود را متناسب با نقش یا حالت آنان تغییر دهد.

مرد نقش او را به عهده می گیرد و در حقیقت به قصه گو کمک می کند تا قصه با تنوع و شیرینی و گیرندگی بیشتری اجرا شود. قصه یکی از بهترین عوامل آموزش غیرمستقیم است.

نمایش نامه

فرق نمایش نامه و قصه این است که در قصه نقش اصلی به عهده گوینده است، اما در نمایش نامه، گوینده یا اصلاً وجود ندارد و یا نقش فرعی و کوچک دارد.

در نمایش نامه های برنامه کودک، داستان مربوط به کودکان است و در محیط آنها اتفاق می افتد. ممکن است یک یا دو کودک و عده ای افراد بزرگسال در نمایش نامه شرکت داشته باشند، اما نقش اصلی و محوری بر عهده کودکان است.

اگر هر روز جمعه یک نمایش نامه در برنامه پخش شود، محیط و بازیکنان آن می توانند ثابت باشند، مثل اینکه نمایش در محیط خانه و بین افراد خانواده اتفاق می افتد. بچه ها این گونه نمایش را بیشتر دوست دارند. در این نمایش ها اختلاف سن فرزندان باید زیاد باشد تا صدا و رفتاری متفاوت و قابل تشخیص از یکدیگر داشته باشند.

کارهای درست یا نادرست هر یک از بچه ها می تواند موضوع نمایش نامه باشد. فراموش کردن توصیه مادر، تنبلی در انجام کار، به موقع به بستر نرفتن و عواقب آن، انجام ندادن تکالیف درسی یا برعکس، خوب کار کردن و نتیجه خوب گرفتن و هزاران موضوع دیگر برای تنظیم یک نمایش خانوادگی وجود دارد.

نمایش نامه، زمینه بسیار مساعدی برای خیال پردازی کودکان است. نمایش نامه آلیس در سرزمین عجایب یا بچه ای که برای پیدا کردن مادر خود تلاش می کند و با حوادث گوناگون روبه رو می شود، همچنین سفر بچه ها به سرزمین کوتوله ها یا غول پیکران از این گونه اند.

نمایش نامه می تواند حوادث بین جانوران را بازگو کند و کودکان نقش جانوران را بازی کنند.

برای دانش آموزان دبیرستانی که اسامی نویسنده های معروف ایران و جهان و شاید نام بعضی از آثار آنان را شنیده اند، بازسازی رادیویی زمان ها و نمایش نامه های روی صحنه



برای دانش آموزان دبیرستانی که اسامی نویسنده‌های معروف ایران و جهان و شاید نام بعضی از آثار آنان را شنیده‌اند، بازسازی رادیویی زمان‌ها و نمایش نامه‌های روی صحنه به صورت نمایش نامه رادیویی، پاسخ مناسبی به علاقه آنان به کسب اطلاع بیشتر درباره دانسته‌های قبلی آنان است.

در حضور جمع از طریق گردونه یا قرعه کشی صورت گیرد که بی طرفی مجریان برنامه را تأیید کند.

مصاحبه و گزارش

تهیه گزارش از محل‌های دیدنی (مثل موزه‌ها) یا سازمان‌هایی که کارشان مربوط به بچه‌ها می‌شود (مثل مؤسسات بهداشتی کودکان و مایه کوبی)، قسمت پس‌انداز در بانک‌ها، باغ وحش و حتی مصاحبه با مسئولان واحد مربوط، یکی از بخش‌های اتفاقی برنامه کودک است.

شعر

امروزه اشعار مناسب سنین مختلف کودکان، چه شعر نو و چه کلاسیک، فراوان است. با کمال تأسف ملاحظه می‌شود که خواندن شعر برای بزرگان و حتی گوینده‌های رادیو هم به صورت امری دشوار درآمده است. در برنامه همواره می‌توان از اشعار مناسب استفاده کرد. صحیح شعر خواندن، نوعی آموزش است.

باید در نظر داشت که تأثیر یک بیت شعر در مخاطب بیش از تأثیر یک مقاله است. به همین جهت در همه برنامه‌ها برای تأیید هر مطلب می‌توان شعری قرائت کرد که همان مضمون را دربر داشته باشد.

موسیقی برنامه‌های کودکان

در مورد کودکان قبل از دبستان، موسیقی و قصه دو ضلع یک مثلث متساوی‌الساقین محسوب می‌شوند که بقیه مطالب، قاعده آن را تشکیل می‌دهند؛ یعنی قسمت عمده برنامه به این دو موضوع اختصاص دارد. در مورد سایر گروه‌ها باز هم همین دستور مصداق دارد.

برای کودکان خردسال اگر مطلبی به صورت شعر با آهنگ اجرا شود، در ذهن آنها می‌ماند و چون هنوز خواندن و نوشتن نیاموخته‌اند موسیقی بهترین راه آموزش است. این قاعده در مورد همه افراد مصداق دارد. هدف اصلی در همه سرودها

به صورت نمایش نامه رادیویی، پاسخ مناسبی به علاقه آنان به کسب اطلاع بیشتر درباره دانسته‌های قبلی آنان است.

با توجه به اینکه نمایش نامه قسمتی از برنامه کودک است نباید تصور شود که هر هفته می‌تواند دنباله‌دار باشد، زیرا قصه بیشتر به حوادث می‌پردازد، در حالی که در نمایش نامه بیشتر به روابط و ویژگی‌های خلقی و رفتاری پرداخته می‌شود و بهتر است در یک برنامه تمام شود.

مطالبی که بچه‌ها به برنامه می‌دهند

مخاطبان برنامه دوست دارند حتی الامکان خود را در برنامه شریک ببینند و نقشی داشته باشند. این نقش به شکل‌های زیر متصور است:

خاطرات کودکان: از بچه‌ها خواسته شود خاطرات خود را بنویسند و برای برنامه بفرستند و برای بهترین خاطره در ماه جایزه معین شود. نقل آن خاطرات با موزیک و ساندافکت، برنامه جالبی را تشکیل می‌دهد.

یادداشت‌های کودکان: از بچه‌ها خواسته شود مطالب جالب کتاب‌ها را یادداشت کنند و برای برنامه بفرستند. این یادداشت‌ها بسیار متنوع و سرگرم‌کننده خواهند بود.

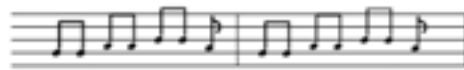
نامه‌ها و پرسش‌های کودکان: پاسخ به نامه‌های بچه‌ها یک وظیفه انکارناپذیر برنامه است. در نامه‌های بچه‌ها سؤال‌ها و مطالبی وجود دارند که در غنای برنامه مؤثرند.

مسابقات

مسابقه یکی از موجبات حضور کودکان مخاطب در برنامه است. مسابقات حضوری به این ترتیب است که قبلاً تاریخ مسابقه و موضوع سؤال‌ها در برنامه به اطلاع بچه‌ها می‌رسد. در روز مسابقه از همان موضوعات تعیین شده از دو کودک سؤال می‌شود و هر سؤال امتیازی دارد. معمولاً در یک مسابقه رادیویی که برای پخش در روز جمعه مناسب است، سه گروه دو نفری شرکت می‌کنند. بهتر است انتخاب شرکت‌کننده‌ها

همین است که مضمون اشعار در ذهن کسانی که آن را می خوانند یا می شنوند، بماند.

در آهنگ ترانه های گروه قبل از دبستان باید از نت های کم کشش و متشابه یا با اختلاف زیر و بمی کم استفاده شود. نظیر این جمله:



در سنین بالاتر سادگی جمله ها کمتر می شود و به جایی می رسد که برای دانش آموزان دبیرستانی همه گونه آهنگی قابل استفاده است.

اشعار ترانه ها

اشعار ترانه ها، هم به زبان محاوره است و هم به زبان کتابت. برای کودکان دبستانی ها و بچه های سال های نخست دبستان، اشعار فقط به زبان محاوره است و مضامین آنها غالباً فکاهی و در برخی موارد عاطفی. برای مثال، موضوعاتی مانند: «آقا

بهترین زمان پخش برنامه برای گروه سنی

دبستان، صبح ها قبل از زمانی است که کودک برای رفتن به دبستان آماده می شود؛ یعنی در حقیقت هنگام صرف صبحانه، زیرا در آن هنگام همه نشسته اند و در حال خوردن صبحانه هستند. به علاوه گذشته از بچه ها، پدر و مادر و سایر افراد خانواده نیز به رادیو گوش می دهند.

موشه» (گفت و گو با موش و سرزنش کارهای بد او)، «پیشی» (صحبت با گربه و کارهای خوب او)، «کلاغ» (سرزنش کارهای بد او)، «فروشنده متملق» (توصیف جنس فروختن او)، «تجدیدی» (راهنمایی شاگردی که تجدید شده)، «داداش کوچولو» (توصیف نوزادی که به خانواده اضافه شده)، «اسباب بازی ها» (نگه داری اسباب بازی ها) و مطالب دیگری از این قبیل، هم شاد و فکاهی اند و هم آموزنده.

در مورد کودکان بزرگ تر، اشعار ترانه ها، هم می تواند به زبان محاوره باشد و هم به زبان کتابت. سرود مادر، جشن روز مادر، کتاب، ماه، دو خواهر، دریا و پیروزی، موضوعات مناسبی برای بچه های بزرگ تر هستند.

در مورد موسیقی بچه ها در روش معمول است:

روش اول این است که فقط خواننده کودک است و ارکستر

هنرمندان بزرگ سالند. در کشور ما این روش معمول بوده است. روش دوم این است که با سازهای ساده مخصوص کودکان به آنها آهنگ های ساده می آموزند و نوازنده ها هم کودک هستند، ولی نه بچه های کودکان، بلکه بچه های سنین بالاتر. (چند نمونه از اشعار ترانه ها برای گروه های مختلف کودکان در انتهای مقاله آمده است.)

خط و شکل متن های برنامه

چون سواد بچه های مجری برنامه کودک، زیاد نیست، اجرای برنامه و قرائت متن از روی نوشته های ماشینی شده و یک رنگ برای آنها میسر نیست، لذا متن ها باید با خط نسخ نوشته شوند و اگر دو یا چند کودک آن را اجرا می کنند، سهم هر کودک با یک رنگ نوشته شود.

نویسنده باید با گذاشتن کاربن (یا کپی گرفتن)، متن برنامه را در سه نسخه تهیه کند. اگر مجریان دو نفر باشند از روی نسخه رنگی، هر دو می توانند از یک میکروفون استفاده کنند. اگر سه نفر و بیشتر باشند، نسخه رنگی مخصوص کودکان کوچک تر است و کودکان بزرگ تر یا افراد بزرگسال می توانند از نسخه های دوم و سوم استفاده کنند.

معمولاً دو نسخه برای چهار مجری که از دو میکروفون استفاده می کنند، کافی است و نسخه سوم نزد تهیه کننده و صدابردار می ماند.

هدف های برنامه

مثل بیشتر برنامه های رادیو، هدف های برنامه به طور کلی آموزش، شادی، سرگرمی و راهنمایی بچه ها در موارد مختلف است.

آموزش های برنامه از جهتی با آنچه در مدرسه آموخته می شود اشتراک دارند، ولی اولاً رادیو کلاس درس نیست و با آن تفاوت بسیار دارد، زیرا در برنامه سعی بر این است که کودکان مخاطب از مجریان کودک آموزش هایی فراگیرند. در این صورت هیچ گاه به آنها گفته نمی شود چه باید بکنند، بلکه خود شنونده از مطالبی که پخش می شود نتیجه گیری می کند و برنامه به ندرت آموزش مستقیم دارد. ثانیاً در مدرسه بیشتر بر مطالب علمی و آگاهی ها تأکید می شود، در حالی که در برنامه رادیویی کودک، تأکید بیشتر بر مسائل اخلاقی و رفتاری است، به علاوه مثل مدرسه، تنبیه و تشویقی در کار نیست و برنامه باید طوری باشد که خود به خود برای مخاطب جالب و مؤثر باشد.

در مورد شاد بودن و سرگرم کننده بودن برنامه، شوخی های مجریان، لحن صدای آنها، داستان های کوچک و شیرین (لطیفه ها) و از همه مهم تر موسیقی شاد این هدف ها را تأمین می کنند.

مناسب برای بچه‌های کودکانی
آهنگ از حافظی
شعر از دکتر معین افشار

آهنگ از میخائیلیان
شعر از دکتر معین افشار

لباسی تمیز
مامانم گفته‌ای بچه‌ی عزیز
تو باید باشی تمیز

بشوری صبح زود دست و روی خود
کنی شانه موی خود
خسته که میشی نشین
جاهای پر خاک

تا بمونه دخترم
روپوش تو پاک
توی جیب خود نذار
خودکار بی در
تا که اون لباس نشه
یک سره جوهر
لباس بچه باید
اتو کشیده باشه

نه که سالی به دفعه م
اتو ندیده باشه

لباس رو تو باید

توی خونه در آری

اونو رو جالباسی

توی گنجه بذاری

خروسه میگه قوقولی قوقو
یعنی که پاشو کوچولو
کلاغه میگه قار و قار و قار
یعنی که بشو بیدار
گنجیشکا میگن جیک و جیک و جیک
ساعت میکنه تاک و تیک
مرغاهای میگن قد و قد و قد
یعنی که دیگه صبح شد
کفتره میگه بقبقو بقبو
بچه جون بشور دست و رو
چلچله میاد روی آسمون
یعنی بچه جون خواب نمون
هر پرنده صبح از تولونه
میره از پی آب و دونه
بابا جونم ساعت هفت
دنبال کارش از خونه رفت
من میبوسم دست مامان
پا میشم میرم کودکان



مناسب برای بچه‌های راهنمایی
آهنگ از سارگن
شعر از دکتر معین افشار

آهنگ و شعر از دکتر معین افشار

مبارزه با بیسوادی
تو که داری بازوان توانایی
دلی آزاد از غم و چشم بینایی
چه شود گراز تو گردد خاطری شادان
که نماند کار نیک از خدا پنهان
تو که در تحصیل دانش گشته‌ای پیروز
پس از این بر بیسوادان دانش بیاموز
نشیدی گر که نابینایی و چاه است
اگر آندم خامشی بگزینی گناه است
بود این شکرانه‌ی ورزیده بازوان
که بگیری ای توانا دست ناتوان
بجهان نیکوتر از این نباشد کار
که کنی روشن دلی را ز غفلت تار
تو که در تحصیل دانش گشته‌ای پیروز
پس از این بر بیسوادان دانش بیاموز
نشیدی گر که نابینایی و چاه است
اگر آندم خامشی بگزینی گناه است

واژه نیکان
بسحرگاهان از یزدان
بدعا خواهم ز دل و جان
بدلم تا بد فروغ ایمان
نروم مگر از ره احسان
قدمی جز از پی نیکان
ننهم ننهم ننهم
دل خود این خانه تقوی
بهوی و هوس نسپارم
نشود این قامت موزون
ز گرانی بار گنه خم
نبرم سوی آرزو طمع ره
نخورم غم بیش و غم کم
بفسون و فریب و ریا دل
ندهم ندهم ندهم
بسپیه دل مردم نادان
ندهم سررشته‌ی خویش
نخورم اندوه زمانه
نشوم پزیمان و پریش
ز خیال واهی و باطل
گذرم گذرم گذرم
ره عقل و علم و فضیلت
سپریم سپریم سپریم

مجری اول: بچه‌ها سلام، روزتون به خیر و شادی
مجری دوم: می‌دونین که امروز روز میلاد حضرت امام حسین علیه‌السلامه
مجری سوم: این عید فرخنده رو به همه پیروان اون حضرت که پیروان راه حق و حقیقت هستن شادباش می‌گیم.
مجری اول: حضرت امام حسین علیه‌السلام یکی از فداکارترین مردان راه خدا بودن.
مجری سوم: در این راه از جانشون گذشتن و به پیروانشون درس حق پرستی و از خودگذشتگی دادن.
مجری اول: بچه‌ها، شرح فداکاری‌های امام سوم ما رو زیاد شنیدین؛ تو تاریخ خوندین یا می‌خونین.
مجری دوم: اون حضرت فرزند شاه جوان مردان علی ابن‌ابی‌طالب و نوه پیغمبر بودن. تمام صفات نیکو رو از پدر و جد بزرگوارشون به ارث برده بودن و به تربیت پیغمبر آراسته بودن.
مجری سوم: بعد از شهید شدن حضرت علی علیه‌السلام حضرت امام حسن که فرزند بزرگ‌ترشون بودن خلیفه و پیشوای مسلمین شدن، اما دوره این خلافت شش ماه بیشتر طول نکشید. حکومت به دست شخصی افتاد که از دشمنان خدا و پیغمبر بود و اصلاً شایستگی این مقام رو نداشت. این شخص معاویه پسر ابوسفیان بود.
مجری اول: معاویه با اینکه خودش پیشوای مسلمونا می‌دونست، آشکارا با دستورهای پیغمبر مخالفت می‌کرد؛ پابند قوانین اسلام نبود، دنیاپرست بود و به فرمانروایی و قدرت علاقه داشت نه به دین اسلام.
مجری دوم: حضرت امام حسین که پیشوا و رهبر واقعی مسلمونا بودن، نتونستن این وضعو تحمل کنن. می‌دیدن که نتیجه کوشش‌ها و فداکاری‌های پدر و جدشون داره از بین می‌ره. مردمی که به همت اون رادمردان بزرگ از بت‌پرستی و ستیزه‌جویی نجات پیدا کرده بودن دوباره داشتن گمراه می‌شدن و کارهای زشتشونو از سر می‌گرفتن.
مجری سوم: این بود که برای حفظ دین و دفاع از حقیقت به دعوت مردم کوفه قیام کردن.
مجری اول: می‌خواستن به همه بفهمونن که انسان به هیچ دلیلی نباید از راه راست برگرده؛ به هیچ علتی نباید تسلیم نادرستی و نادرستان بشه؛ ارزش حقیقت اونقدر زیاده که مردان خدا از جانشون می‌گذرن ولی از حق نمی‌گذرن و از راه راست برنمی‌گردن.
مجری اول: اما همه این جور نبودن. مردم کوفه، یعنی همونایی که خودشون حضرت امام حسین رو دعوت به قیام کرده بودن، وقتی دیدن نیروی دشمن زیاده و ممکنه شکست بخورن، اون حضرتو با چند تن از یارانشون تنها گذاشتن و فرار کردن.
مجری دوم: با وجود این امام حسین علیه‌السلام از راهی که رفته بودن برنگشتن و تا پای جان برای حفظ حقیقت مبارزه کردن. در این جهاد مقدس افراد خانواده‌شونم فدا شدن. اما یک چیز باقی موند، اون حق و راستی بود و درس مهمی بود که اون حضرت به پیروانشون دادن، یعنی از خودگذشتگی در راه خدا.
مجری سوم: یزید و پیروانش گرچه تا مدتی حکومت کردن، اما خبر فداکاری امام حسین علیه‌السلام کم‌کم به گوش رادمردان سراسر دنیا رسید، ایرانیان که به خاندان پیغمبر ارادت داشتند و به اونا احترام می‌داشتن برای انتقام گرفتن از امویان یعنی خاندان معاویه برخاستن و سرانجام پیروز شدن.
مجری اول: امروز با اینکه بیش از هزار و سیصد سال ازون پیشامد می‌گذره، ما پیروان حضرت امام حسین به حق پرستی و فداکاری اون حضرت افتخار می‌کنیم.
مجری دوم: ولی از یزید و پیروانش جز نام زشت چیزی باقی نمونده.